

## شناسایی الگو و مکتب کارآمد حکمرانی امنیتی - دفاعی در فضای منازعات هیبریدی

مسعود دارابی<sup>۱</sup>، سعید فرهنگی<sup>۲</sup>

### چکیده

جمهوری اسلامی ایران، به سبب ماهیت خود بیش از سایر کشورها با چالش‌ها و بحران‌ها و تهدیدات متعدد در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کند و در آینده نیز با آن‌ها روبرو خواهد بود. هم‌افزایی تهدیدها و ابزارهای نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باهدف ایجاد بی‌ثباتی در کشور جنگی تحت عنوان جنگ ترکیبی را رگم خواهد زد. این تهدیدات به سبب ماهیت خود هر کشور با هر درجه از امنیت و ثبات را دچار بحران خواهد کرد. مسئله اصلی این پژوهش این است که بهترین دفاع و الگو و مکتب کارآمد در برابر یک جنگ ترکیبی تمام‌عیار در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را شناسایی کند. در این پژوهش با استفاده از روش اسنادی - کتابخانه‌ای اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و به روش توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از بررسی منابع گوناگون حاکی از آن است که بهترین دفاع در یک جنگ هیبریدی، حکمرانی متعالی اسلامی می‌باشد. بررسی‌ها دو مکتب اساسی ذیل سوپر پارادایم اومانیسیم و تئوئیسیم را نشان می‌دهند. اما مکاتب مادی با تمام نحله‌های خود نتوانسته راه‌حلی برای معضل ناامنی به‌خصوص در فضای جدید حاکم بر تحولات جهانی ارائه نماید. در این بین حکمرانی که بر اساس مکتب و الگوی توحیدی استوار است توانسته سربلند از سیر تحولات و بحران‌های منطقه‌ای و داخلی بیرون آید که موفقیت ج.ا. در نابودی تروریسم تکفیری در عراق و سوریه و همچنین تشکیل محور مقاومت از نتایج درخشان استفاده از این الگو در حکمرانی بوده است.

کلمات کلیدی: حکمرانی، منازعات هیبریدی، مکاتب امنیتی، مکتب توحیدی

<sup>1</sup> استادیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران (نویسنده مسئول) masuod.darabi@gmail.com

<sup>2</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت بحران دانشگاه صنعتی مالک اشتر 1375saeed@chmail.ir

امنیت به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی و اساسی در جوامع امروزی، همواره از جایگاه ویژه‌ای در بین اندیشمندان، سیاست‌گذاران و محققان برخوردار بوده و با گسترش پدیده‌های جهانی و پیچیده‌شدن روابط و نظام بین‌الملل این مفهوم، به یکی از بخش‌های حیاتی سیاست‌های دولتی و بین‌المللی بدل شده است و در عین حال بنیادی اساسی برای زیست فردی، اجتماعی و در مقیاس کلان، محرک توسعه و پیشرفت یک کشور فراهم می‌آورد. (قیصری، 1393: 27 و پیرانی و فتحی، 1399: 2)

در همین راستا حکمرانی به‌عنوان نظام و روشی که برای مدیریت منابع و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با امور عمومی یک کشور استفاده می‌شود، ارتباطی دوسویه و تنگاتنگ با مفهوم امنیت دارد و از یک حیث می‌توان مهم‌ترین و برجسته‌ترین کارویژه حکمرانی خوب را حول مسئله تأمین امنیت و ثبات سرزمینی تعریف نمود که ضمن ایجاد زمینه‌های مناسب برای حفظ و تقویت امنیت کشورها، نقش مهمی در پیشبرد اهداف و ارزش‌های یک حاکمیت دارد. حکمرانان در حقیقت کانون‌های اصلی فکر و تصمیم‌سازی هستند و از این حیث شکل‌دهی یک سامانه یکپارچه، پیشرفته و هدفمند امنیتی – دفاعی، برجسته‌ترین پیشرانی است که فقدان یا پدیدارشدن به‌موقع آن نقش ارزشمندی در قوام بخشی به پایه‌های قدرت یک حکمرانی در گستره جهانی خواهد داشت؛ لذا تبیین ماهیت علل بروز، امکان‌سنجی، چرایی و چگونگی هر کدام از پدیده‌های ضد امنیتی و ضد دفاعی اولویت دستور کار مطالعات و عملیات یک واحد حکمرانی متمایز قرار داشته و متناسب با هر کدام از آن‌ها الگوی رفتاری ویژه‌ای را تجویز می‌کند. (پیرانی و فتحی، 1399: 2)

اما هر واحد سیاسی و حکمرانی متمایز از نظام اسلامی تا حاکمیت‌های سکولار و لائیک الگوهای رفتاری و کنش‌های امنیتی – دفاعی را بر اساس الگوهای فکری و پارادایم‌های نظری که شکل‌دهنده جهان بینی آنان است، تبیین و یا تجویز کرده و بر اساس این امر پدیده‌ها تفسیر می‌نماید. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگر دیدگاه‌ها و نظریات روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک، پیرامون علل بروز یک تنش و منازعه را بررسی کنیم تقریباً تمامی این زمینه‌ها با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، ساختار سیاسی و فرهنگی و... پیرامون نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران صدق می‌کند. آن هم در شرایطی که پدیده‌های نوظهوری چون جنگ و تهدیدات هیبریدی علاوه بر ایجاد چالش‌های جدید بر پیچیدگی این منازعات افزوده‌اند؛ لذا شناسایی الگوی امنیتی مناسب و آزموده شده به‌عنوان یک چالش مهم که قادر به مقابله با معضلات امنیتی نوظهور در فضای در حال تکامل و تطور تهدیدات و منازعات هیبریدی بوده و سبب بهبود مدیریت بحران‌ها و ارتقا ضریب امنیتی کشور شود، امری مهم و ضروری است.

بر همین اساس و بنا بر مرور پیشینه تحقیق درحالی‌که پیرامون شناخت، مقایسه و احصا برتری هریک از مکاتب امنیت بر یکدیگر پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است؛ اما تحقیقاتی در راستای شناسایی الگوی امنیتی مناسب برای جمهوری اسلامی ایران ذیل دو مفهوم حکمرانی و جنگ‌های هیبریدی صورت نگرفته است؛ لذا انجام این تحقیق در راستای رفع این شکاف تحقیقاتی صورت می‌پذیرد؛ بنابراین تحقیق حاضر باهدف پاسخ به این سؤالات شکل گرفت:

بهترین دفاع در برابر جنگ هیبریدی دشمن چیست؟ الگو و مکتب مناسب برای جمهوری اسلامی به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام و صف اول مبارزه با کفر و الحاد در آوردگاه منازعات هیبریدی کدام است؟

در پژوهش حاضر سعی شده است که بر اساس روش اسنادی - کتابخانه‌ای و با مروری اجمالی بر ادبیات تحقیق، پژوهش‌های صورت گرفته در سطح بین‌المللی و داخلی با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و تجربیات و نتایج این پژوهش‌ها در قالبی جدید، جهت استفاده پژوهشگران داخلی و سیاست‌گذاران معرفی شود.

### مبانی نظری پژوهش

تهدید<sup>3</sup>: امکان به وحشت انداختن، ترساندن یا ایجاد فاجعه برای یک فرد یا جامعه (Oxford, 2005: 206). وجود یک فشار خارجی منفی، فقدان امنیت، ایجاد اختلال در توانایی‌های کشور در کسب اهداف ملی، اقداماتی که کمیت و کیفیات زندگی مردم یک کشور یا دامنه اختیارات حکومت را به‌طور جدی کاهش دهد، درک و ساختن یک دشمن یا وضعیت خطرناک، محدود کردن و حبس آزادی و رهایی (Richard, 1999: 118) و در یک کلام یک خطر بالقوه است که هنوز محقق نشده و صرفاً در حد یک ایده می‌باشد.

امنیت<sup>4</sup>: شرایط و فضایی است که یک جامعه با داشتن آن قادر است اهداف و ارزش‌های مهم و حیاتی خود را محقق کند و در سطح جامعه گسترش دهد و یا حداقل آنها را در برابر تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها حفظ نماید (عاصف، 1387: 26). تهدید امنیتی<sup>5</sup>: عاملی است که در آن مجموعه‌ای از ادراکات و تصورات نسبت به پدیده‌ها و رابطه آنها با بقا، کمیت یا کیفیت ارزش‌های اساسی و مورد احترام بر وجود خطر جدی یا امکان نابودی آن ارزش‌ها دلالت می‌کند (Richard, 2010: 118).

تهدید هیبریدی<sup>6</sup>: شامل گستره‌ای از حالت‌های متفاوت از جمله توانایی‌های متداول، راهکنش‌های نامنظم، انجام خشونت بی‌رویه و اغتشاش‌های جنایی است که توسط دولت‌ها یا نهادهای غیردولتی هماهنگ می‌گردد. مصادیق تهدیدهای هیبریدی عبارت‌اند از: 1- یک تهدید در قالب یک نبرد چندوجهی؛ 2- ناامنی بی‌شکل و سریع؛ 3- چند تهدید هم‌زمان و 4- تهدید تکامل یافته با استفاده از تمام ابزارها و رهکنش‌ها (زهدی و کلانتری، 138: 1395).

جنگ‌های هیبریدی<sup>7</sup>: تاکنون تعریف مشخصی از جنگ‌های هیبریدی بیان نشده است چرا که حدود مشخصی برای این نوع جنگ مشخص نیست. در اجلاس امنیتی مونیخ 2015، هشت ابزار جنگ هیبریدی اعلام شد که شامل: جنگ دیپلماتیک-نیروهای ویژه - نیروهای نامنظم و چریکی - جنگ‌های کلاسیک نظامی - جنگ اطلاعاتی و تبلیغاتی - حمله سایبری - جنگ اقتصادی - حمایت از آشوب‌های داخلی. جنگ هیبریدی یا همان جنگ ترکیبی به راهبرد نظامی پیچیده‌ای اطلاق می‌شود که ترکیبی از نبردهای متعارف، نامتعارف، سایبری، روانی و اطلاعاتی را در خود جای می‌دهد. در واقع طیف گسترده‌ای از ابزارهای متعدد به شیوه متقارن یا نامتقارن در این نوع جنگ که نبردی غیرخطی به شمار می‌رود مورد استفاده قرار می‌گیرد.

3. Threat

4. Security

5. Security threat

6. Hybrid Threat

7. Hybrid war

حکمرانی<sup>۸</sup>: در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۵۸-۲۵۹) حکمرانی، فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به‌منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران و ذی‌نفعان در چارچوب ارزش‌ها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور است.

منازعه: لوئیس کوزر<sup>۹</sup> از منظر جامعه‌شناختی، منازعه را «مبارزه و کشمکش بر سر ارزش‌ها و مطالبه منزلت، قدرت و منابع کمیاب که در آن هدف هر یک از طرفین، خنثی کردن، صدمه‌زدن و یا نابود ساختن رقبای خویش است»، تعریف می‌کند. منازعه به شرایطی اشاره دارد که در آن یک گروه و مجموعه انسانی مشخص و معین، با یک گروه و مجموعه انسانی مشخص و معین دیگر به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری در اهداف و ارزش‌ها دچار تعارض و تضاد آگاهانه هستند. (قربانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶۵-۲۹۱) در این مقاله منازعه شامل تمامی سطوح و ابعاد و دارای ماهیتی خشونت‌آمیز یا مسالمت‌آمیز، آشکار یا پنهان، کنترل‌پذیر یا کنترل‌ناپذیر، قابل حل و غیرقابل حل می‌باشد و با در نظر گرفتن نظریه‌های متخصصان رشته‌های جغرافیا، ژئوپلیتیک، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در خصوص علل ایجاد تنش و منازعه در روابط و مناسبات بین دولت - ملت‌ها به طور هم‌زمان متغیرهای فرهنگی و ژئوکالچر، ژئواستراتژیک، اختلافات سرزمینی و مرزی، ژئواکونومیک، هیدروپلیتیک، زیست‌محیطی و فضای سایبر را در برمی‌گیرد.

#### تمایز بین حکمروایی و حکومت

فان واردن در پژوهش خود پیرامون انواع ویژگی‌های حکومت و حکمروایی از هفت مؤلفه شامل بازیگران، عملکردها، ساختار، میزان نهادسازی، قراردادهای تعامل، توزیع قدرت و استراتژی‌های اداره عمومی و ۳۶ زیر مؤلفه برای تعیین ویژگی انواع شبکه‌های سیاسی که عوامل اجرایی دولت را به گروه‌های ذی‌نفع سازمان‌یافته مرتبط می‌سازد استفاده می‌کند که بر این اساس شاهد طیفی از شبکه‌های سیاسی که مبتنی بر میزان دخالت دولت در شبکه‌های سیاسی است، خواهیم بود. (برک پور و اسدی، ۱۳۸۷: ۱۴۴-۱۴۵).

جهت احراز از تکرار پژوهش‌های صورت‌گرفته، بر اساس تعاریف، مجموعه‌ای از ویژگی‌های این دو مفهوم در جدول ذیل مورد مقایسه قرار گرفته که می‌تواند در شناخت این دو مفهوم کمک مؤثری نماید.

جدول ۱- مقایسه ویژگی‌های اصلی حکومت و حکمروایی

عوامل مقایسه	حکومت	حکمروایی
بازیگران	تعداد بسیار محدود مشارکت‌کنندگان عوامل اجرایی اساساً دولتی	تعداد بسیار زیاد مشارکت‌کنندگان بازیگران بخش خصوصی و عمومی
کارکردها (وظایف)	مشاوره‌ای صورت نمی‌گیرد هیچ همکاری در صورت‌بندی سیاست‌ها و اجرای آنها صورت نمی‌گیرد گسترده‌گی زیاد موضوعات سیاسی	انجام مشاوره همکاری تا حد امکان در صورت‌بندی و اجرای سیاست‌ها گسترده‌گی کم موضوعات سیاسی
ساختار	مرزهای بسته عضویت غیرارادی فراوانی و مدت‌زمان اندک تعامل	مرزهای بسیار باز عضویت داوطلبانه (ارادی) فراوانی و مدت‌زمان بسیار اندک تعامل
قراردادهای تعامل	اقتدار سلسله‌مراتبی، رهبری متصل از بالا تعامل خصمانه/ روابط متضاد	مشاوره افقی/ تحرک درونی توافق بر سر هنجارهای تکنوکراتیک/ روابط تعاونی

<sup>۸</sup>. Governance

<sup>۹</sup>. Lewis Coser

(همکاری منشانه) برخوردهای بسیار غیررسمی باز بودن (شفافیت)	برخوردهای غیررسمی پنهان‌کاری	
آزادی عمل اندک دولت از جامعه (خودسازمان ده) / تسلط پراکنده دولت گروه‌هایی ذی‌نفع، نفوذ پراکنده‌ای در دولت دارند. تبادل و همزیستی بین بازیگران وجود دارد	آزادی عمل بالای دولت از جامعه (هدایت شده) / تسلط دولت گروه‌های ذی‌نفع جامعه هیچ نفوذی در دولت ندارند. هیچ تعادل یا همزیستی بین بازیگران وجود ندارد	توزیع قدرت

(منبع: Schwab et al , 2001 , 11-12)

### انواع مدل های حکمرانی

چگونگی میدان دادن به نظام ارزشی ذی‌نفعان در یک‌رویه حکمرانی باعث می‌شود که مدل‌های مختلفی از شیوه‌های پیاده‌سازی حکمرانی در جهان معاصر مطرح باشد از جمله حکمرانی خوب، حکمرانی متعالی، و دیگر شیوه‌های حکمرانی. حکمرانی خوب: " حکمرانی خوب" مفهومی است که توسط سازمان‌های بین‌المللی در اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات توسعه شده و بر اساس معیارهای خاص، حکمرانی را حاصل تعامل و ارتباط متقابل دولت و کنشگران جامعه مدنی (سازمان‌های غیردولتی، بخش خصوصی، گروه‌های ذی‌نفوذ و رسانه‌ها) جهت نیل به توسعه در هر کشوری می‌داند. معیارهای حکمرانی خوب از نظر این سازمان‌ها عبارت است از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخ‌گویی، وفاق عمومی، حقوق مساوی، اثربخشی و کارایی و مسئولیت‌پذیری.

حکمرانی سالم: در انتقاد از حکمرانی خوب، حکمرانی سالم به برداشت آزاد و متنوع از شیوه و معیارهای حکمرانی خوب در کشورهای مختلف تأکید دارد و معتقد است که حکمرانی باید مطابق با آداب، رسوم و فرهنگ محلی هر کشور تعریف و سازماندهی شود. البته همچنان معیار اصلی در حکمرانی سالم، همانند حکمرانی خوب، رفاه مردم می‌باشد. حکمرانی متعالی: به شیوه‌ای از حکمرانی گفته می‌شود که مبتنی بر یک نظام ارزشی الهی همچون اسلام برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی مردم در یک حوزه جغرافیایی و یا حوزه‌های گسترده‌تر مطرح می‌باشد. بر اساس نظریه حکمرانی متعالی، حکومت از آن خداست و تنها اوست که می‌تواند بر انسان حکم براند به این دلیل حکمرانان تا زمانی دارای مشروعیت هستند که از تزکیه نفس و مقبولیت برخوردار بوده و تنها مجری احکام الهی باشند. در حکمرانی متعالی، تنظیم روابط، تبعیت و شیوه فعال‌سازی ظرفیت‌های کنشگران و ذی‌نفعان، بر اساس هدایت الهی و اراده مردمی، شکل می‌گیرد.

### ابعاد حکمرانی مطلوب اسلامی

مطالعات صورت‌گرفته پیرامون ابعاد و ویژگی‌های حکمرانی مطلوب اسلامی اغلب دارای همپوشانی در ارائه مطالب است؛ لذا برای رعایت اختصار نتایج این پژوهش‌ها در قالب نمودار زیر ارائه گردیده است:

شکل 1- ابعاد حکمرانی مطلوب اسلامی



(منبع: متفکر و بهاروندی، 1399:21 با تغییر)

#### مکاتب امنیت

#### واقع گرایی

در تقسیم بندی نظریات امنیت ملی به سنتی، مدرن و فرامدرن رهیافت واقع گرایی در چارچوب تفکر سنتی به امنیت قرار می گیرد. در این رهیافت محور اصلی امنیت دولت بوده و بر حفظ وضع موجود و تهدیدهای نظامی و نیاز به واکنش سریع تأکید خاصی می شود. (ken booth,1991:547-597). برطبق این نظریه هدف غایی سیاست بین الملل کسب قدرت است زیرا کسب قدرت وسیله ای مهم برای بقا است. براین اساس هرچند آنان مزیت های اقتصادی و جغرافیایی را برای تقویت دولت ها در نظر دارند؛ اما دولت ها برای بقای خود نیازمند برخورداری از یک ارتش قوی هستند، آنان اساس امنیت را حفظ تمامیت ارضی دانسته و آن را در صدر اولویت های خود در بشمار می آورند و سایر اولویت های سیاسی را تابعی از این هدف در نظر می گیرند. (مشیرزاده، 1392:360)

از یک نظر دودسته واقع‌گرایی قابل‌شناسایی است. واقع‌گرایی هجومی که به دنبال افزایش قدرت و نفوذ یک کشور در مقابل سایر کشورهاست، و از دیدگاه ایشان منطق رقابت به نوبه خود ایجاب می‌کند تا هیچ کشوری، فرصتی برای گسترش نفوذ و افزایش حداکثری قدرت خود از دست ندهد. از بنیان‌گذاران این دیدگاه می‌توان به جان مرشایمر و فرید زکریا اشاره کرد. در مقابل واقع‌گرایان دفاعی اعتقاد دارند که ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل و منطق حاکم بر آن مشوق خویشنداری است و تجاوز را نهی می‌کند و به دنبال موازنه قوا و بازدارندگی (هسته‌ای) میان دولت‌ها در برابر تهدیدها یا سایر قدرت‌ها هستند. آنان از افکار عمومی به‌عنوان نیرویی بازدارنده در مقابل نخبگان خودخواه یاد می‌کنند. می‌توان به استفن ون ایور، استفن والت و جان اسنایدر، به‌عنوان صاحب‌نظران این دیدگاه اشاره کرد. اما هر دو دیدگاه مرجع اصلی امنیت را دولت دانسته و تجهیزات، دانش و فناوری دفاعی را از ابزارهای تأمین امنیت بشمار می‌آورند. همچنین «امنیت»، «قدرت» و «گسترش طلبی» به‌عنوان سه انگیزه، در تبیین چرایی رفتار دولت‌ها، در هر دو دیدگاه مورد توجه قرار گرفته است. اما تفاوت دو دیدگاه در این است که واقع‌گرایی دفاعی، اعتقادی به اقدام هجومی برای تأمین امنیت ندارد؛ اما واقع‌گرایی هجومی در نقطه مقابل این گزاره قرار دارد. (Snyder, 2011: 67, 68, 69)

#### نوواقع‌گرایان

از نظر نوواقع‌گرایان در فضای هرج و مرج‌گونه نظام بین‌الملل هدف نخست تأمین امنیت است. آنان در تبیین انگیزه دولت‌ها در حمله به کشورهای همسایه خود سه عامل تمایل یک دولت به افزایش قدرت خود، نگرانی از قوی‌تر شدن همسایه خویش و دسترسی به منابع استراتژیک را مؤثر می‌دانند. (مشیرزاده، 1392: 360) بر اساس این دیدگاه، ریشه تنگنای امنیت را بایستی در عدم اطمینان و ترس جستجو کرد. امنیت ملی یا ناامنی معلول ساختار سیستم بین‌الملل و ساختار هرج و مرج‌گونه آن است، بنابراین باید حتی در صورتی که گمان به مقاصد خیرخواهانه یک کشور وجود دارد، انتظار تغییر مقاصد از نظر دور نکرد. (بیلنسیس و اسمیت 1383: 576-578) در نگرش نوواقع‌گرایان، اجتناب‌ناپذیری وقوع نزاع و ناامنی ریشه در پویایی نظام بین‌الملل یعنی نظامی که میان دولت‌ها به‌عنوان کنشگران اصلی سیاست بین‌الملل وجود دارد نهفته است نه در ماهیت و طبیعت انسان. نظریات کنت والتز را می‌توان سرآغاز مکتب نئورئالیسم تلقی کرد. والتز تأکید بر طبیعت انسان و تمایل به کسب قدرت یعنی مفروضات انسان‌شناختی مورگنتا را رها کرد و بجای آن معتقد بود که رقابت‌های امنیتی در فضای هرج و مرج نتیجه‌ی جز سیاست موازنه قوا و وقوع مجدد جنگ نخواهد داشت. او هر چند به برخی از مفروضات انسان‌شناختی پارادایم مورگنتایی معتقد بود و بیان می‌داشت که در صورت عاقل بودن دولتمردان یک کشور می‌توان نظام پویای بین‌الملل را مدل‌سازی کرد، اما وی سعی کرد بجای پایه‌ریزی بنیان‌های فکری خود بر پارادایم مورگنتایی، نظریه عمومی سیستم‌ها و نظریه الیگوپولی را جایگزین آن سازد و در نظریه خود به دنبال تبیین علل وقوع مجدد جنگ‌ها و موازنه‌های قوا و همچنین مشخص ساختن دلایل باثباتی و صلح‌آمیز بودن نظام‌های دوقطبی قدرت نسبت به نظام چندقطبی بود. (Snyder, 2011: 65-66) از نظر مکتب نوواقع‌گرایی، دولت‌ها به‌مثابه مرجع اصلی امنیت، همواره با معضل ناامنی مواجه‌اند و به طور پیوسته برای افزایش قدرت و رفع این معضل در تکاپو هستند. در واکنش به کاستی‌های موجود در این مکتب شاهد شکل‌گیری گرایش‌های واقع‌گرایی هجومی و دفاعی هستیم که موضوعاتی همچون نظریه این مکتب نسبت به سیاست خارجی و همچنین نحوه برخورد نظام آنارشیک بین‌الملل با متجاوز از جمله این کاستی‌هاست. (Snyder, 2011: 67)

## لیبرالیسم

از دیدگاه مکتب لیبرالیسم، رفاه و نه امنیت به هدف و نگرانی اصلی دولت‌ها بدل شده و کمتر شاهد استفاده ابزاری از نیروی نظامی هستیم. (جکسون و سورنسون، 1391: 154) گذار از نگرش تک‌ساحتی به مفهوم امنیت و کاهش جایگاه قدرت نظامی در امنیت ملی و در مقابل برجسته‌شدن سایر ابعاد امنیت (محیط زیستی، فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی) در کنار بعد نظامی از نتایج تحول در ساختار نظام بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم به این سو است. (ماندل، 1379: 65) پس از جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق امنیت اقتصادی از چنان جایگاهی برخوردار شد که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت ملی و از اصول اساسی یک کشور برای تحقق توسعه اقتصادی و ارتقای رفاه اجتماعی شناخته شد. (عزتی، 1387: 7) برطبق این نظریه پدیده و موضوعی تهدید علیه امنیت ملی شناخته می‌شود که مسئله بقا جمعیت یا به عبارتی معیشت مردم و روند دستیابی به مایحتاج روزمره ایشان را با خطر مواجه کند. (Buzan, 1998: 22)

## سازه‌انگاری

سازه‌انگاری رویکردی است که در اواخر دهه 80 و اوایل دهه 90 میلادی به یکی از تئوری‌های اصلی در روابط بین‌الملل تبدیل شد که به امنیت، بعنوان برساخته‌ی اجتماعی می‌نگرد. توهدفیف بعنوان یکی از صاحب‌نظران این مکتب معتقد است که دوست یا دشمن تلقی کردن یک دولت توسط سایر دوول به برداشت‌هایی که از هویت یا به بیان دیگر درک از خود و انتظارات دیگران وابسته است. (مک‌دونالد، 1391: 120 و 119).

از نظر این رهیافت خودیاری و خودمحوری دولت‌ها حاکی از افزایش بی‌اعتمادی در میان دولت‌هاست که این خود نیز ناشی از دیدگاه نامتناجس و متناقض نسبت به پدیده‌ها و موضوعات می‌باشد. زیرا آنان امنیت را بیش از اینکه بر پایه عوامل مادی در نظر گیرند به میزان فهم و درک مشترک بازیگران از یکدیگر تأکید می‌کنند. (عباسی اشقلی، 1383: 549-525)

سازه‌انگاران معتقدند که به لحاظ هستی‌شناختی امنیت موضوعی بین‌ذهنی است و تنها به شرایط مادی بیرونی اشاره ندارد؛ بلکه متأثر از رفتار اجتماعی بازیگران است. آنان به دنبال کسب امنیت نه تنها در عرصه بین‌الملل بلکه در داخل اجتماع و سایر ابعاد و سطوح آن مبتنی بر اعتماد، اطمینان و همکاری برای تحصیل امنیت در مقابل کسب امنیت از طریق موازنه قوا و بازدارندگی هستند (آقایی و رسولی ثانی ابادی، 1390: 124 و 123 و عبدا...خانی، 1389: 18) مکتب کپنهاک

از متفکران برجسته این مکتب می‌توان به دورکیم، اوستین اشاره کرد که نمایندگی کنونی آن را ویور و بوزان برعهده دارد و توانسته طیفی از افراد را از گرایش نواقع‌گرایی تا سازه‌گرایی را زیر یک چتر جای دهد. (قیصری، 1393: 12).

این مکتب امنیت را مربوط به بقا و اقدامی خود ارجاع‌دهنده<sup>10</sup> در نظر می‌گیرد. هنگامی که مسئله‌ای به تهدید وجودی تبدیل شود، ماهیت امنیتی پیدا کرده و در این هنگام با استفاده از شیوه‌ها و روش‌های معمول و متعارف در سیاست امکان غلبه بر موضوعات امنیتی وجود ندارد و نیاز به ابزارهای دیگری است. هرچند که موضوعات امنیتی

<sup>10</sup> Self Refrential

به‌مثابه معضلاتی که قابلیت حل‌وفصل دارند، نگریسته می‌شود. از جمله مفاهیم اصلی این مکتب می‌توان به امنیتی‌شدن، بخش‌های امنیتی و مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای اشاره کرد. (Kothari, 2006: 4-9)

نظریه انتقادی

این دیدگاه با به چالش کشیدن رویکرد رئالیستی دولت‌محور امنیت و در نقطه مقابل آن، دولت را در شمار عوامل اصلی ناامنی معرفی می‌کند. بنیان‌گذار این دیدگاه، کن بوث بهترین مرجع تأمین امنیت را خود مردم می‌داند که این دیدگاه خود را وام‌دار نظریات کانت در مورد مردم‌محور بودن امنیت در یک نظام جهان‌وطنی است. (TERRIF, 1998: 18)

آنان بر خورد ابزاری با انسان و بی‌ثباتی بحران‌های اقتصادی و در یک کلام ناامنی و جنگ را حاصل تناقضات حاکم بر سرمایه‌داری می‌دانند (قوام، 1390: 133) و علی‌رغم اینکه پس از حوادث یازدهم سپتامبر، مناسبات امنیتی دست خوش تغییر شد؛ اما از دیدگاه این رهیافت مسئله حقوق بشر از جایگاهی حساس برخوردار است. صاحب‌نظران این دیدگاه امنیت را سطح فردی تقلیل می‌دهند و به دنبال تأمین نیازهای بنیادین انسان و ایجاد رفاه نسبی و به‌طور کلی ایجاد حداقل نیازهای حیاتی برای زندگی بدون دغدغه هستند. زیرا انسان و رهایی از ساختارهای مدرنیته را هدف اصلی قلمداد می‌کنند. (قیصری، 1393: 19 و عسکری حصن و همکاران، 1395: 19).

جدول 2- پارادایم‌های نظری امنیت

پست‌مدرنیسم رادیکال	انعکاس‌گرایی		سازه‌گرایی		راسیونالیسم		پارادایم‌های روابط بین‌الملل
	مکتب پاریس	نظریات انتقادی مکتب ولز	مکتب کپنهاگ (نظریه امنیتی‌شدن)	سازه‌گرایی میانه	نئولیبرالیسم	نئورالیسم	
-----							نظریه
امنیت همه چیز و هیچ چیز	ذهن‌گرا: کنترل به‌وسیله نهاده‌ها	عینی‌گرا: امنیت رهایی (آزادی) است	بینا ذهنیت: امنیت رابطه اجتماعی بین بازیگران است.		عینی‌گرا: امنیت امری مادی است/ رابطه قدرت بین بازیگران		هستی‌شناسی
معرفت‌شناسی	تفهم (Understanding)				تبیین (Explaining)		معرفت‌شناسی
امنیت پدیده‌های ذاتاً منفی همواره مورد نقد است.	سلسله‌مراتبی، نخبه‌گرا		آنچه به‌صورت بنا‌ذهنی ساخته می‌شود و دولت انجام می‌دهد		آناشسی تحت کنترل	آناشسی	نظام بین‌الملل
-----	فرد		به‌وسیله بازیگر امنیتی‌کننده تعیین می‌شود	هویت	دولت		موضوع اصلی امنیت
-----	آژانس‌های امنیت (ارتش، نیروهای انتظامی)	فرد	بازیگر امنیتی‌کننده	دولت			سوژه اصلی امنیت
-----	-----	رهایی	غیرامنیتی کردن	-----	قدرت اقتصادی	قدرت، نیروی نظامی	ابزارهای امنیت
-----	بی‌ارتباط	حل‌شدنی از طریق رهایی	-----	حل‌شدنی از طریق همگرایی و هویت جمعی	حل‌شدنی؛ بازی مثبت، رژیم‌های بین‌المللی	بازی صفر حل‌نشده	معضل امنیتی
-----	منفی	مثبت	منفی		مثبت	منفی	برداشت از امنیت
فوکو، دریدا	بورديو	-----	دورکیم، اوستین	برگر، لاکمن	هرز (Herz)	مورگنتا والتز	متفکران تأثیرگذار

در درین، واکر	بیگو، هویمانز	وین بوٹ، مک چونز، سوینی	ویور، بوزان	آدکر، وندت	کوهن، نای	مرشایمر، والت	نمایندگان کنونی
---------------	------------------	-------------------------------	-------------	---------------	-----------	------------------	-----------------

(منبع: Paulauskas, 2007, p. 225)

### نظریه امنیتی اسلام

بنا بر مبانی هستی‌شناسی نظریه امنیتی اسلام که دیدگاهی ترکیبی نسبت به ذات انسان، سطح تحلیل امت محور و ماهیت ترکیبی جنگ و صلح محور بودن نظام بین‌الملل دارد، امنیت، از مفهومی گسترده و عمیق و متوازن برخوردار است که تنها محدود به یک قلمرو خاص نبوده؛ بلکه تمام ابعاد مختلف زندگی انسان را در برمی‌گیرد.

در این رویکرد، نقطه آغازین امنیت را درون انسان قرار می‌دهد که در صورت تحقق این سطح امنیت، سایر سطوح جامعه، ملی و بین‌المللی را تحت تأثیر خویش قرار خواهد داد و تحت الشعاع خود سایر ابعاد امنیت (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و...) نیز تأمین خواهد کرد.

در این رویکرد برخلاف نگاه رئالیستی به مفهوم امنیت که امنیت را در پرتو قدرت نظامی بیان می‌کنند، قائل به استفاده از نیروی قوی نظامی و جنگ برای تأمین، حفظ و ایجاد امنیت و صلح است. تساوی حقوق ملل و آزادی انسان، استفاده از قدرت نظامی تنها برای دفع تجاوز یا یاری مظلومان و توجه به عقلانیت در کنار آموزه‌های وحیانی از دیگر خصوصیات این مکتب است (علی اصغری، 1399: 34)

جدول 3- مقایسه ی تطبیقی بین مکتب اسلامی امنیت و سایر مکاتب (مادی گرا)

جهان بینی و مبانی نظری	مادی گرا (رئالیسم وایده آلیسم)	توحیدی (اسلام)
رابطه انسان و خدا	در عرض هم	در طول هم
معنا و ابعاد امنیت	ایمنی مادی	ایمان دینی و ایمنی مادی
مرجع امنیت	دولت و حکومت	دین اسلام و مردم
موضوع امنیت	منافع فردی/ملی	مصالح امت اسلامی
منشأ امنیت	اراده مردم	خواست الهی و اراده مردم
نگرش به امنیت	دنیایی/مادی	الهی و ایمانی / مادی و معنوی
سازوکار تأمین امنیت	طبیعی/نظامی/اقتصادی	جهاد/صلح/آمادگی دفاعی/جنگ عنداللزوم
امنیت زدایی از	دشمن/رقیب	باطل/شیطان/طاغوت (دارالکفر)
امنیت سازی برای	دوست/هم‌پیمان	حق/محرومین/مستضعفین (دار الاسلام)
غایت امنیت	دنیاداری (مدیریت دنیوی)	هدایت به سوی کمال

(منبع: علی اصغری، 1399: 32)

## تهدیدات و منازعات هیبریدی

نوع تهدیداتی که ج.ا.ایران با آن مواجه است از تهدیدات سنتی به تهدیدات هیبریدی تغییر یافته و دولت های متخاصم طی سال های اخیر، از طریق اجرای تهدیدهای هیبریدی، به دنبال غافلگیری راهبردی و کاهش ضریب امنیت بین المللی، منطقه ای و ملی ج.ا.ایران بوده است.

تهدیدات هیبریدی به دلیل ویژگی های خود از جمله استفاده از تمامی منابع قدرت و ظرفیت های دولتی و خصوصی، هزینه کم، متکی به سلاح های نرم افزاری نظیر رسانه - اقتصادی نظیر تحریم و استفاده از ارز به عنوان سلاح (جنگ ارزی) - سایبری نظیر ویروس ها و بدافزارها، اثرگذاری بلندمدت و ماندگاری زیاد و... به گزینه ای ایده آل برای استفاده علیه یک کشور تبدیل شده است.

کلانتری (1399) در پژوهشی حول جنگ ترکیبی بیان میدارد: «فرآیند تبدیل تهدیدات هیبریدی به جنگ با فرآیند تبدیل تهدیدات سنتی به جنگ متفاوت است. در تهدیدهای سنتی شروع جنگ با دولتها، اجرای جنگ با نظامیان و خاتمه جنگ با دولتها بود؛ اما چنانچه تهدیدهای هیبریدی تبدیل به جنگ شود، شروع جنگ با بازیگران، اجرای جنگ با ملتها، مدیریت جنگ با دولتها و حمایت مردمی با محوریت نظامیان و درنهایت خاتمه جنگ با دولت ها است.» این تهدیدات به سبب ماهیت خود هر کشور با هر درجه از امنیت و ثبات را دچار بحران خواهد کرد به عبارتی دیگر امنیت پایدار نمی تواند تهدید هیبریدی را به طور کامل کاهش یا دفع نماید، شاید مقدار کمی از آن را مدیریت نماید.

## مروری بر پیشینه پژوهش

واگنر<sup>11</sup> و همکاران (2019م) طی تحقیقی، به اشتراک گذاری اطلاعات تهدیدهای فضای سایبری را به عنوان یکی از روش های خنثی کردن افزایش مداوم حملات سایبری معرفی نمودند. در این تحقیق به بررسی آیین نامه ها و روش هایی پرداختند که از یک روند اشتراک گذاری اطلاعات در مورد تهدیدات فضای مجازی پشتیبانی می کند المرابت<sup>12</sup> و همکاران (2018م)، امنیت سایبری و چالش های آن را در شبکه های هوشمند مورد بررسی قرار دادند. به اعتقاد ایشان، در حال حاضر اقدامات متقاب، موجود بر روی مقابله با برخی از حملات خاص یا محافظت از برخی از اجزای خاص تمرکز دارد، اما هیچ رویکرد جهانی برای تأمین امنیت کل سامانه وجود ندارد.

کلانتری (1399) تحقیقی که با هدف گونه شناسی تهدیدهای هیبریدی و کاربست آن در سطوح امنیت ج.ا.ایران انجام داد تعداد 30 تهدید هیبریدی در سه سطح (ملی، منطقه ای و بین المللی) و چهار بعد (نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) احصاء کرده است. براساس این تحقیق تهدیدهای مؤثر عبارت اند از: شکاف راهبردی، مشروعیت سازی اقدامات آمریکا علیه ایران، مشروعیت زدایی از ایران، بی ثباتی داخلی، کاهش استحکام داخلی، نفوذ، تضعیف ارکان نظام، تبدیل مطالبات مردمی به نافرمانی مدنی، ناامن سازی، تهی سازی از درون، فشار از بیرون، تضمین امنیتی برای دشمنان ایران، تضعیف محور مقاومت، توزیع و فرسایش توان سایبری، انهدام زیرساختها، عملیات اطلاعاتی، واپایش مداوم صحنه، تحریم های فلج کننده، اجماع سازی، ائتلاف سازی و منزوی سازی، امنیتی کردن موضوع ایران، بی ثباتی

<sup>11</sup> Wagner

<sup>12</sup> El Mrabet

امنیتی و منطقه ای، طرح خاورمیانه بزرگ، جنگ نیابتی، کاهش جمعیت، تهدیدهای شناختی، سرباز هوشمند و استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در منطقه. (کلانتری، 1399: 255-292)

نجفی علمی (1391) تحقیقی که با هدف بررسی روند تحولات فضای سایبر و نقش آن در تهدیدات ناشی از جرم در محیط سایبر در ج.ا.ا انجام داد، به این نتیجه رسید که «قابلیت و ظرفیت سازگاری روند تحولی جرم، همگام و همسو با روند تحولات فضای سایبر (در سه عرصه کلی و با هفت تغییر ماهوی) «الگوی تهدید جرم (اهداف و راهبردها، نوع، ماهیت، فرآیند، گستره، محیط، آثار و پیامدها) را در کشور از قابلیت و ظرفیت های پیچیده و نوینی برخوردار کرده است. این اتفاق پیچیده و نرم، به معنی آن است که تهدیدات جرم با استفاده از قدرت فناوری به فناوری قدرت نرم تبدیل، شده است» که این موضوع ضمن بی سابقه بودن در تاریخ تهدیدات جرم، می تواند سبب چالشی جدی در شناخت تهدیدات و مدیریت آن در محیط سایبر و تحول در نگاه به مفهوم نظم و امنیت در وضعیت کنونی کشور گردد

عسگری (1396) طی تحقیقی که با هدف بررسی جایگاه نبرد سایبری در راهبرد امنیتی آمریکا بفروردین 1396 سپتامبر انجام داد، به این نتیجه رسید که به طور کلی ایالات متحده در ارتبا با بسیاری از خدمات مهم و حیاتی به اینترنت و سامانه ها و داده های فضایی مجازی متکی است. برتری نظامی آمریکا در کنار وابستگی ارکان دفاعی و اطلاعاتی این کشور به فضای سایبر موجب گشته برخی کشورها روی به ابزارهای غیرمتمقارن جهت به چالش کشیدن آن ارکان بیاورند تا از این طری میزان آسیب پذیری آمریکا را افزایش دهند بنابراین تهدیدها و حملات سایبری در راهبرد امنیت ملی آمریکا جایگاه پراهمیتی دارد

#### روش تحقیق

در این پژوهش با استفاده از روش اسنادی - کتابخانه‌ای اطلاعات موردنیاز جمع آوری و به روش توصیفی - تحلیلی در یک مطالعه تطبیقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این روش پس از گردآوری و طبقه بندی اطلاعات حاصل از بررسی کتب داخلی و خارجی، نشریات و مطبوعات، مقالات و مجلات و سایت های اینترنتی، تجزیه و تحلیل آن ها به طور عمده از طریق توصیف و مبتنی بر تفکر، منطق و استدلال صورت گرفته است.

#### تجزیه و تحلیل یافته ها

در عرصه حکمرانی هر کنش امنیتی در قالب یک مکتب امنیتی انجام می پذیرد ، سوال اصلی این است که کنش امنیتی ج.ا.ا.ایران باید بر چه پایه و مکتبی استوار باشد؟ آیا این مکتب در فضای تهدیدات و منازعات هیبریدی از کارایی لازم برخوردار است؟

مکاتب مادی نگر بر مبانی نظری هستی شناسی، معرفت شناسی و انسان شناسی های مدرن استوار شده اند و از نظر مسائل عینی نیز بیشتر به جوامع غربی، اروپایی و آمریکایی تعلق دارند و تبیین ها و نقدهای موجود بیشتر درون پارادایمی است، تا نقد جوهری هستی شناسی و انسان شناختی که از رویکردی متفاوت در فهم و مقوله سازی درباره امنیت نشات گرفته باشد. نقدهای درون پارادایمی نتوانسته است راهی برای برون رفت از معضل نا امنی بیابد و نیاز به طرح نظریاتی دارد که منشاء پارادایمی متفاوت به امنیت داشته باشد. تعافل و ناتوانی مکاتب امنیتی غربی در تبیین تمامی وجوه امنیت، همواره عرصه را برای ظهور نظریات و مکاتب جدید باز گذاشته است. اما دین مبین اسلام بعنوان

کامل ترین دین، نگاه جدیدی به مقوله امنیت دارد، که با توجه به خصوصیات و زمینه های فرهنگی-اجتماعی و همچنین ناتوانی سایر مکاتب در حل معضل ناامنی، مناسب ترین مکتب برای اتخاذ راهبرد های امنیتی برای ج.ا.ا می باشد. حال پس از اینکه مشخص گردید مبنای حکمرانی در عرصه امنیت، باید برگرفته از رویکرد اسلام به آن باشد. باید گفت که در حوزه امنیت داخلی، ویژگی های حکمرانی بر اساس الگو و مکتب اسلامی (توحیدی) منجر به کاهش بستر های ایجاد معضلات امنیتی و در نتیجه کاهش زمینه ی استفاده یک دولت متخاصم از این معضلات در بستر یک جنگ هیبریدی خواهد شد. به بیان دیگر حکمرانی خوب، بهترین دفاع در برابر جنگ هیبریدی است، حکمرانی که نشأت گرفته از تعالیم و حیانی است.

### نتیجه گیری

همواره در بین صاحب نظران و پژوهشگران مفهوم امنیت و علل ایجاد یا سلب آن در سطوح و ابعاد مختلف از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. با این حال، هرکدام از مکاتب فکری بر پایه بنیادهای نظری خاص خود به تحلیل مفهوم امنیت و مولفه های کلیدی آن پرداخته و ادراک و شناخت منحصر به فردی را پیرامون مفهوم «امنیت» شکل داده اند که نخست سبب تفاوت در شناخت علل و ریشه های ایجاد یا سلب امنیت و سپس کنش منحصر به فرد پیرامون رسیدن به امنیت (در جامعه خود) یا سلب امنیت (در جامعه دشمن) شده است. در این پژوهش، مفهوم امنیت در پارادایم ها و مکاتب نظری مختلف روابط بین الملل بررسی گردید. این مکاتب بر اساس مبانی نظری هستی شناسی، معرفت شناسی و انسان شناسی های مدرن استوار شده اند و از نظر مسائل عینی نیز بیشتر به جوامع غربی، اروپایی و آمریکایی تعلق دارند و تبیین ها و نقدهای موجود بیشتر درون پارادایمی است، تا نقد جوهری هستی شناسی و انسان شناختی که از رویکردی متفاوت در فهم و مقوله سازی درباره امنیت نشأت گرفته باشد. نقدهای درون پارادایمی نتوانسته است راهی برای برون رفت از معضل ناامنی بیابد و نیاز به طرح نظریاتی دارد که منشأ پارادایمی متفاوت به امنیت داشته باشد. بر همین اساس می توان تمامی این پارادایم ها را حول یک سوپر پارادایم - امانیسم - سازماندهی کرد. تغافل و ناتوانی مکاتب امنیتی غربی در تبیین تمامی وجوه امنیت، همواره عرصه را برای ظهور نظریات و مکاتب جدید باز گذاشته است و ثانیاً هیچ تناسبی با خصوصیات و زمینه های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و ژئوپلیتیکی جوامعی همچون ایران ندارد. در مقابل این طیف از پارادایم های فکری، سوپر پارادایم دیگری نیز قابل شناسایی است که از نقطه نظر هستی شناسانه، معرفت شناسانه و انسان شناسانه در نقطه مقابل سوپر پارادایم اومانسیسم قرار داشته و ضمن پر کردن خلأها و نواقص آنان مکتب و الگوی جدیدی را ارائه داده که با عنوان مکتب توحیدی و ذیل سوپر پارادایم تئوئیسیسم قابل شناسایی است. اما این تطور و ظهور مکاتب امنیتی را می توان تا حد زیادی معلول ایجاد بازیگران و ابزارهای جدید چه در حیطه حکمرانی داخلی و چه نظام بین الملل برای ایجاد/سلب امنیت دانست. این تطور و تکامل در سیر تکاملی مفهوم جنگ کاملاً آشکار است. در یک تلقی، اکنون شاهد ظهور نسل چهارم جنگ ها هستیم. نسلی که تحول و تکامل نبردهای مدرن پس از تغییرات عمده در «نگرش ها» و «فناوری ها» به مثابه ارکان تطور مدرن در جنگ استوار است. در نسل چهارم مرز بین جنگ و صلح مبهم بوده و اقدامات متنوع به صورت هم زمان و در همه ابعاد شبکه قابل پردازش است. عدم تمرکزگرایی، شکست انحصار بازیگران دولتی و ورود بازیگران غیردولتی، پیچیدگی در نبرد اطلاعاتی، شبکه ای شدن

و افزوده شدن عنصر شناختی از ویژگی‌های این نسل است. جنگ هیبریدی یا غیرخطی به مثابه نوع جدیدی از جنگ مدرن و در چارچوب این نسل از جنگ قابل پردازش است.

در این نوع جنگ، تهدیدات از تخریب محور به تأثیر محور تغییر ماهیت داده و به سبب ماهیت خود هر کشور با هر درجه از امنیت و ثبات را دچار بحران خواهد کرد. اما این تهدیدات بر بستر آسیب‌پذیری‌هایی که عموماً در اثر حکمرانی ناصحیح ایجاد می‌شود، قابلیت اعمال می‌یابند؛ بنابراین حکمرانی که منجر به کاهش بسترهای آسیب‌پذیری سیستمی شده از ایجاد معضلات امنیتی جلوگیری و زمینه استفاده یک دولت متخاصم از این معضلات در بستر یک جنگ هیبریدی را از بین خواهد برد.

در بین انواع حکمرانی که در پی میدان دادن به نظام‌های ارزشی مختلف پدیدار می‌شوند تنها حکمرانی متعالی بر اساس مکتب و الگوی توحیدی قابل‌شناسایی است. هر چند حکمرانی سالم برخی از نواقص مدل حکمرانی خوب را پوشش داده و به نوعی آن را با جوامع هدف خود تطبیق داده است؛ اما اصولاً جهت‌گیری و سیر کلی آن در سوپر پارادایم امانیسم قرار داشته و سنخیتی با مکتب توحیدی ندارد و بنابراین در این مدل‌ها، به‌ناچار باید برای برقراری امنیت و کنش پیرامون آن از لنز پارادایم‌های نظری استفاده نمایند که در چارچوب سوپر پارادایم امانیسم قرار داشته و این نیز به نوبه خود آسیب‌پذیری‌های سیستم حکمرانی را در برابر تهدیدات و به‌ویژه تهدیدات هیبریدی در منازعات حاکم بر فضای جهانی افزایش خواهد داد.

بررسی‌ها دو مکتب اساسی ذیل سوپر پارادایم امانیسم و تئوئیسم را نشان می‌دهند. یکی یا اندیشه رفاه حداکثری در دنیا و دیگری با اندیشه خدا محور باهدف رشد و تعالی انسان در دنیا و آخرت. در این بین، مکتب و الگوی امنیتی توحیدی بیشترین قرابت را با ساختار حکمرانی جمهوری اسلامی دارد. نخست به این دلیل که مکاتب مادی با تمام نحله‌های خود نتوانسته راه‌حلی برای معضل ناامنی به‌خصوص در فضای جدید حاکم بر تحولات جهانی ارائه نماید. ثانیاً این طیف از مکاتب تنها نقدهایی درون پارادایمی بوده تا نقد جوهری هستی‌شناسی و انسان‌شناختی که از رویکردی متفاوت در فهم و مقوله‌سازی درباره امنیت نشات گرفته باشد. همچنین از نظر مسائل عینی نیز بیشتر به جوامع غربی، اروپایی و آمریکایی تعلق دارند و بر مبانی نظری هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی‌های مدرن استوار شده‌اند و اصولاً هیچ قرابتی و تناسبی با خصوصیات و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و ژئوپلیتیکی ایران ندارد و ثالثاً ویژگی‌های حکمرانی بر اساس الگو و مکتب اسلامی (توحیدی) منجر به کاهش بسترهای ایجاد معضلات امنیتی و در نتیجه کاهش زمینه استفاده یک دولت متخاصم از این معضلات در بستر یک جنگ هیبریدی خواهد شد. به بیان دیگر حکمرانی خوب (متعالی)، بهترین دفاع در برابر جنگ هیبریدی است، حکمرانی که نشات گرفته از تعالیم وحیانی است.

از جمله مولفه‌های این مکتب می‌توان به امام محوری، امت محوری، مبتنی بر نهادمندی فطری (نظم فطری)، جامعه هجری، مبتنی بر دموکراسی دینی و استفاده از ظرفیت‌های مردمی در تمام عرصه‌ها و... اشاره کرد. تنها نقش امام محوری در این رویکرد باعث خنثی شدن خیل عظیمی از تهدیدات و به نوعی مدیریت بحران در حوزه امنیت داخلی شده است.

نتایج تحقیقات حاکی از آن است که کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران با بحران‌های متعددی روبه‌رو بوده که مهم‌ترین این بحران‌ها عبارت‌اند از بحران مشروعیت، یکپارچگی، توان سیاست‌سازی، مشارکت، شناسایی و توزیع. اما حکمرانی خوب و متعالی توان تبدیل این بحران‌ها به یکپارچگی و انسجام سیاسی - اجتماعی، رفع بحران مشروعیت و مشارکت مردمی و تخصیص بهینه منابع و امکانات را دارد. به عبارتی حکمرانی صحیح باعث کاهش آسیب‌پذیری داخلی شده و هر اندازه یک دولت یا رژیم سیاسی از آسیب‌پذیری نهادی به فقدان آسیب‌پذیری حرکت کند، امنیت آن نیز بیشتر خواهد شد. به بیان ساده‌تر از آنجاکه رویکرد اعمال تهدیدات به صورت ترکیبی و در منطقه خاکستری (نه جنگ، نه صلح) است و این تهدیدات با سرمایه‌گذاری بر روی آسیب‌پذیری‌ها و نقاط ضعف یک سیستم در عرصه‌های مدیریتی، سیاسی، اقتصادی جامعه هدف بنا شده‌اند، لذا اگر دشمن نتواند این آسیب‌پذیری‌ها را به اندازه کافی احصا نماید، امکان استفاده از جنگ هیبریدی به صفر میل خواهد کرد. به عبارتی بهترین دفاع در یک منازعه هیبریدی، حکمرانی متعالی اسلامی است.

هر چند صاحب‌نظران این حوزه معتقدند که کشورهای در حال توسعه عمده مخاطرات امنیتی آنان در حوزه تهدیدات داخلی است اما ج.ا.ا با تهدیدات پیچیده در حوزه خارجی نیز روبه‌رو است.

در حوزه امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی الگوی موفق حکمرانی امنیتی - دفاعی برگرفته از مکتب اسلامی در مبارزه با تروریسم و تهدیدات منطقه‌ای علیه ایران که توسط شهید سپهبد حاج‌قاسم سلیمانی اجرا و بر اساس آن جبهه مقاومت تشکیل و پیروزی‌های بزرگ نائل گردید، تنها نمونه‌ای از کاربرد این مکتب در امر حکمرانی است. ج.ا.ا با اجرای استراتژی دفاع لایه لایه یا سنگربندی برون‌مرزی و با استفاده از بازدارندگی شبکه‌محور توانست امنیت خود را در فضای پر آشوب منطقه غرب آسیا حفظ کرده و با افزایش عمق استراتژیک خود با تهدیدات در فاصله‌ای دورتر از خود روبه‌رو شود. حزب‌الله لبنان در لایه سوم، دولت سوریه در لایه دوم، حشدالشعبی و دولت عراق در لایه اول از مهم‌ترین عناصر و مولفه‌های این استراتژی بوده که توسط عناصری همچون لشکر فاطمیون افغانستان، زینبیون پاکستان، حیدریون آذربایجان و... پشتیبانی می‌شدند.

اما وقایع و ناآرامی‌های 1398 ایران، عراق و لبنان (عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران) که در بستر یک جنگ هیبریدی اعمال گردید، تا آستانه کم‌اثر سازی این استراتژی پیش رفت. و باز هم عدم درک و اجرای صحیح حکمرانی خوب در جایگاه نخست و پس از آن اجرای حکمرانی متعالی زمینه مساعد را در وقوع این حوادث ایجاد نمود. اجرای حکمرانی متعالی اسلامی نه تنها در ایران که در کشورهای محور مقاومت نیز مسئله‌ای است که به طور مستقیم با امنیت ج.ا.ا در ارتباط است.

## ماخذ و منابع

- برک پور، ناصر و اسدی، ایرج (1387)، گزارش نهایی طرح پژوهشی: نظریه های مدیریت و حکمرانی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر
- بلیس، جان و اسمیت، استیو (1383)، جهانی شدن سیاست روابط بین الملل در عصر نوین، (ترجمه ابولقاسم راه چمنی و دیگران، جلد اول، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر).
- پیرانی، شهره و فتحی، جواد (1399)، مطالعه و تبیین جایگاه استراتژی سنگربندی برون مرزی در منظومه حکمرانی دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران، اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی
- جکسون، رابرت و سورنسون، گئورک (1391)، درآمدی بر روابط بین الملل، (ترجمه مهدی ذاکریان، تهران: میزان خارجه، نیمسال دوم)
- زهدی، یعقوب و کلانتری، فتح الله (1395)، واکاوی پارادایم های جنگ آینده، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- عباسی اشقلی، مجید (1383)، "تحلیل امنیت در پارادایم های حاکم بر روابط بین الملل"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره 3، پاییز.
- عبدا...خانی، علی (1389)، نظریه های امنیت، تهران: نشر ابرار معاصر
- عسکری حصین، شهرام و انوشه، ابراهیم و عمرانی، نیلوفر السادات (1396)، مفهوم امنیت از منظر تئوری (رنالیسم، لیبرالیسم، سازه انگاری، انتقادی)، سپهر سیاست، (4) 103، 11-81
- عسگری، بصیر و گلی، سمانه (1397) تاثیر فای مجازی بر امنیت ملری جمهوری اسلامی ایران، نخستین همایش واکاوی تهدیدهای نوپدید دفاعی - نظامی، دانشرگاه سرتاد فرماندهی و ستاد آجا
- علی اصغری، محمد اقبال (1399)، تبیین مبانی امنیت در مکاتب توحیدی و مادی، فصلنامه علمی امنیت ملی، شماره 35، بهار، صص 93-130
- قرآن کریم
- قربانی نژاد، ریواز، حافظ نیا، محمدرضا، احمدی پور، زهرا، و قوام، عبدالعلی. (1393). بررسی مفهوم منازعه در نظریه های روابط بین الملل و ژئوپلتیک. راهبرد، 23(70)، 265-291. SID. <https://sid.ir/paper/fa89112>
- قوام، سید عبدالعلی (1390)، روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت
- قیصری، نوراله (1393)، مکاتب امنیتی؛ نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرشی نوین، فصلنامه آفاق امنیت، شماره 22، بهار، صص 27-55
- کلانتری، فتح اله (1399)، گونه شناسی تهدیدهای هیبریدی و کاربست آن در سطوح امنیت ج.ا. ایران، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال دهم، شماره 38، زمستان، 255-292

- ماندل، رابرت (1371)، چهره متغیر امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- متفکر، حسین و بهاروندی، سهیلا (1399)، ارائه مدل مولفه ها و شاخص های حکمرانی اسلامی بر اساس تحلیل نظر خبرگان و کارشناسان حکمرانی مطلوب، دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی
- مشیرزاده، حمیرا (1392)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: سمت
- میدری، احمد و جعفر خیرخواهان، (1383)، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی های اقتصادی
- نجفی علمی، مرتا (1391) روند تحولات فای سایبر و نقش آن در تهدیدات ناشی از جررم در محیط سایبر در ج.ا. رساله جهت دریافت دکتری جامفهناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشرکده علوم اجتماعی

- El Mrabet, Z., Kaabouch, N., El Ghazi, H., & El Ghazi, H. (2018). Cyber-security in smart grid: Survey and challenges. *Computers & Electrical Engineering*, 67, 469-482.
- Huysmans, Jef (1998), «Security What Do You Mean? From Concept to Thick Signifier», *Uropean Journal of International Relation*, Vol.4, No.
- Ken Booth (1991), “Security in Anarchy; Utopian Realism in Theory and Practic 75 years on; Rewriting the subject past-reinewening its future”, in smith etal.international theory.pp'334-5, *International Affarirs*, vol.67, no. 3, 1991, pp. 527-47
- Kothari, Vinod (2006), *Securitizatio: The Financial Instrumentof the Future*, John Wiley & Sons, Inc. USA.
- Oxford Advanced Learner's Dictionary (2005), 7th edition: Londen, Oxford Press; Threat.
- Paulaskas, Kęstutis (2007), « The Security Studies, the Status Quo and the Trends»
- Richard Wyn Jones (2010), *Security, Strategy and critical Theory: LondonmLynne Rienner publishers.*
- Snyder, Jack, *Tensions Within Realism: 1954 and After*, in Nicolas Guilhot (edited) (2011), *The Invention of international Relations Theory: Realism, the Rockefeller Foundation, and the 1954 Conference on Theory*, New York: Columbia University Press.
- Srinivas, Hari (1996a) “Urban Environmental Governance”, *WWW. Soc. Titech.Ac. Jp*
- Terrif, Terry (1999), *Security Studies Today*, USA: Blachwell
- Wagner, T. D., Mahbub, K., Palomar, E., & Abdallah, A. E. (2019). Cyber threat intelligence sharing: Survey and research directions. *Computers & Security*, 87, 101589.

سایت های اینترنتی

- استانداری مازندران ..مقاله جنگ های هیبریدی؛ شیوه جنگ نوین تاریخ دسترسی 1400/04/20-قابل دسترسی در <http://www.ostan-mz.ir/Home/PrintPage/77152?DocType=0>

- مدرسه حکمرانی شهید بهشتی، تعاریف و مفاهیم حکمرانی، تاریخ دسترسی 1400/10/08 - قابل دسترسی در <http://governanceschool.ir>

## Security-defense governance in the space of hybrid conflicts

**Masoud Darabi**

*Assistant Professor Malek Ashtar University of Technology, Tehran Branch, Iran (corresponding Author)*  
[Masuod.darabi@gmail.com](mailto:Masuod.darabi@gmail.com)

Saeed Farhangi

*Graduated from Master's degree in Crisis Management of Malik Ashtar University of Technology*

### **Abstract**

Due to its nature, the Islamic Republic of Iran is dealing with many challenges and crises and threats in the political, economic and social fields more than other countries and will face them in the future. Synergism of military, political, social and economic threats and tools with the aim of creating instability in the war country under the title of combined war will be denied. Due to their nature, these threats will cause crisis in any country with any degree of security and stability. The main problem of this research is to identify the best defense against a full-scale hybrid war at the national, regional and international levels. An analysis has been analyzed. The results of the review of various sources indicate that the best defense in a hybrid war is Islamic supreme governance. The studies show two basic schools under the super-paradigm of humanism and theism. But materialistic schools with all their tricks have not been able to provide a solution to the problem of insecurity, especially in the new environment governing global developments. The internal comes out that the success c. The destruction of Takfiri terrorism in Iraq and Syria, as well as the formation of the axis of resistance, has been one of the brilliant results of using this model in governance.

**Keywords:** governance, hybrid conflicts, security schools, monotheistic school